

The Crisis of School Dropout: Examining School Staff's Perspectives on Enduring and Emerging Causes and Contexts

Fatemeh Ramezani  / Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Lorestan University

Received: 2025/07/22 - **Accepted:** 2025/08/25

ramezani.f@lu.ac.ir

Abstract

This study aimed to investigate the perspectives and experiences of school staff regarding the enduring and emerging causes and contexts of school dropout. In terms of data collection, the research is exploratory, and regarding its approach, it is qualitative, utilizing conventional content analysis. The target population consisted of school staff in the city of Khorramabad. Using purposive sampling, 21 individuals were selected as participants, and semi-structured interviews were employed for data collection. Following analysis and organization of the results, 33 sub-themes emerged, which were categorized into four main themes: "familial factors, individual factors, educational factors, and social factors." Among these, "poverty, misguided family culture, lack of educational facilities, and peer influence" can be identified as enduring causes of school dropout, which continue to affect the educational progression of children in this region. Emerging reasons include "the advent of artificial intelligence, the devaluation of academic knowledge, financial affluence, graduate unemployment, and issues surrounding the university entrance exam."

Keywords: school dropout, teachers' perspectives, enduring causes, emerging causes, traditional content analysis.

نوع مقاله: پژوهشی

بحران بازماندگی از تحصیل: بررسی دیدگاه کادر آموزشی مدارس از علل و زمینه‌های دیرینه و نوظهور

ramezani.f@lu.ac.ir

فاطمه رمضانی  / استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه لرستان

دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۳۱ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی دیدگاه و تجربه کادر آموزشی مدارس از دلایل و زمینه‌های دیرینه و نوظهور بازماندگی از تحصیل صورت گرفته است. روش تحقیق بر اساس چگونگی گردآوری داده‌ها اکتشافی، و از نظر رویکرد، کیفی از نوع تحلیل محتوای عرفی است. جامعه هدف، کادر آموزشی مدارس شهر خرم‌آباد می‌باشد که از میان ایشان بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند، ۲۱ نفر به‌عنوان گروه مشارکت‌کنندگان انتخاب شده و برای گردآوری اطلاعات از ایشان از ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شده است. پس از تحلیل و تنظیم نتایج، ۳۳ مضمون فرعی حاصل آمده و در قالب چهار دسته مضامین اصلی «عوامل خانوادگی، عوامل فردی، عوامل آموزشی و عوامل اجتماعی» قرار گرفته است. در این میان می‌توان «فقر، فرهنگ غلط خانواده، نبود امکانات آموزشی و تأثیر همسالان» را از دلایل دیرینه بازماندگی از تحصیل دانست که همچنان نیز بر روند ادامه تحصیل فرزندان این مرزوبوم مؤثر است، و از میان دلایل نوظهور نیز می‌توان به «ظهور هوش مصنوعی، کاهش ارزش علم، تمکن مالی، بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و مسائل پیرامون کنکور» اشاره داشت.

کلیدواژه‌ها: بازماندگی از تحصیل، دیدگاه معلمان، علل دیرینه، علل نوظهور، تحلیل محتوای عرفی.

مقدمه

آموزش یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه انسانی هر جامعه محسوب می‌شود. هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند بدون دانش و آگاهی به شکوفایی اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... دست پیدا کند (امیری، ۱۳۹۴، ص ۳۴). آموزش، مهارت‌های لازم برای کار و تولید را در اختیار شهروندان قرار می‌دهد، منجر به افزایش آگاهی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در ایشان می‌شود و فرایند جامعه‌پذیری و انتقال ارزش‌های فرهنگی و سیاسی را تسهیل می‌کند، مهم‌تر از همه، سبب رشد و پرورش همه‌جانبه شخصیت افراد می‌گردد (صافی، ۱۴۰۰، ص ۵۶). به‌طور کلی آموزش در استحکام دانش و مهارت برای پرورش فرد، خانواده، جامعه و توسعه ملی وظیفه حیاتی دارد (صادقی، ۱۴۰۲، ص ۱). بر این اساس و با توجه به اهمیت تعلیم و تربیت در تعالی فرهنگ عمومی، نقش محوری آن در پیشرفت جامعه و ایجاد تمدن و زمینه‌سازی برای به فعلیت درآمدن استعدادهای فردی و جمعی انسان، همواره یکی از اهداف سیاست‌گذاران آموزش و پرورش افزایش سطح پوشش تحصیلی آحاد جامعه بوده است، به‌نحوی که همه افراد به فرصت آموزشی مناسب دسترسی داشته باشند. در این مسیر دولت‌ها هزینه‌های سنگین آموزش و پرورش را تقبل کرده و فراتر از این، تحصیل کودکان را امری اجباری شمرده‌اند (بیات و ملاشاهی، ۱۴۰۱، ص ۸). نگاهی به اسناد و قوانین بالادستی در ایران، توجه به این موضوع و اهمیت آن را از نگاه سیاست‌گذاران بیش از پیش آشکار می‌سازد. در همین راستا می‌توان به اصل سی‌ام قانون اساسی اشاره داشت که در آن عنوان شده: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد». در قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش (۱۳۶۶) بند ۸ ماده ۱۰ نیز، «زیر پوشش قرار دادن کلیه کودکان لازم‌التعلیم و تقویت نهضت سوادآموزی» مورد اشاره بوده است. در قانون برنامه پنج‌ساله اول توسعه (۱۳۶۸)، خط‌مشی ۳-۶ به موضوع «ایجاد امکانات آموزشی و تحت پوشش قرار دادن کلیه افراد واجب‌التعلیم در بخش‌های محروم» پرداخته شده است. در قانون برنامه پنج‌ساله دوم توسعه (۱۳۷۳) تبصره ۶۲، عنوان شده که: «دولت موظف است تمهیدات لازم برای اجباری کردن شرکت کودکان لازم‌التعلیم در آموزش اجباری و شرکت بی‌سوادان کمتر از ۴۰ سال در دوره‌های سوادآموزی را فراهم آورد». در قانون برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه (۱۳۸۳)، ماده ۵۲ چنین آمده است: «اجباری کردن آموزش تا پایان دوره راهنمایی، به تناسب تأمین امکانات و به تدریج در مناطقی که آموزش و پرورش اعلام می‌کند، به‌طوری‌که در پایان برنامه چهارم این امر محقق گردد». در سند نقشه جامع علمی کشور (۱۳۸۹، ص ۷) و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰، ص ۲۲) نیز بر برنامه‌ریزی برای پوشش کامل دوره آموزش عمومی تأکید شده است. همین‌طور برنامه ریشه‌کنی بی‌سوادی در جمهوری اسلامی (۱۳۹۳، ص ۴) به‌طور خاص و محوری، «پوشش کامل افراد بازمانده از تحصیل دوره ابتدایی» را مورد تأکید قرار داده است. اما با وجود این اسناد و الزامات

قانونی، همچنان یکی از مسائلی که هر ساله سبب ائتلاف و هدررفت منابع مادی، معنوی و انسانی قابل توجهی می‌گردد، پدیده بازماندگی از تحصیل است (بلوچ‌زهی، ۱۳۹۵، ص ۵). در ارتباط با افرادی که قدرت بهره‌مندی از آموزش و پرورش در سال‌های اولیه را ندارند یا ناگزیر به ترک تحصیل هستند، واژه‌های متمایزی مانند ترک تحصیل، افت تحصیل، بازماندگی از تحصیل مورد بحث قرار گرفته است که از مرسوم‌ترین اصطلاح‌ها، واژه بازماندگی از تحصیل است (صادقی، ۱۴۰۲، ص ۳). در توضیحی بیشتر باید گفت منظور از بازماندگان از تحصیل، گروه سنی بین ۱۸ سال هستند که خارج از چرخه آموزش به سر می‌برند (مهدوی‌فر، ۱۳۹۸، ص ۳). این کودکان به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند: گروه اول، کودکان مناطق عشایری، حاشیه‌ای و روستایی دورافتاده‌اند که از همان ابتدا از ورود به چرخه آموزشی محروم شده، و از سواد بی‌بهره مانده‌اند. این کودکان در حقیقت جزء «بازماندگی مطلق» محسوب می‌شوند. بازماندگی مطلق از تحصیل در بزرگسالی با مفهوم دیگری تعریف می‌شود که عبارت است از «بی‌سوادی»؛ گروه دوم، کودکانی هستند که در زمان مناسب وارد سیستم آموزشی شده‌اند، اما پس از گذشت چند سال به دلایل متعدد ناگزیر به ترک تحصیل شده‌اند. بر اساس تعریف یونسف (۲۰۱۴)، هر دو گروه مذکور بازمانده از تحصیل محسوب می‌شوند؛ چراکه آثار و تبعات فردی و اجتماعی آنها مشابه است. با این حال، با جست‌وجو در مطالعات موجود متوجه می‌شویم که بخشی از مطالعات به موضوع بازماندگی از تحصیل به عنوان یک مفهوم عام پرداخته‌اند، و بخش بیشتری از مطالعات به طور خاص به موضوع ترک تحصیل اختصاص یافته‌اند. به طور معمول مطالعات مربوط به بازماندگی از تحصیل تمرکز بیشتری بر ریشه‌ها و عوامل مؤثر بر آن دارند و بخش زیادی از مطالعات مربوط به ترک تحصیل، به پیش‌بینی پیش از وقوع این پدیده اختصاص یافته‌اند (کلاتری و دیگران، ۱۴۰۲، ص ۲۵۴-۲۵۵).

آمارهای جهانی نشان می‌دهند ۲۶۳ میلیون کودک بازمانده از تحصیل در دنیا داریم. کودکانی که یا هرگز به مدرسه نمی‌روند، یا دیرتر به مدرسه خواهند رفت و یا پس از چند سال تحصیل، مدرسه را ترک می‌کنند. در این میان، کشور ایران نیز از جمله کشورهایی است که از آماری بالا در زمینه کودکان بازمانده از تحصیل در مناطق شهری و روستایی - عشایری برخوردار است (تورانی و عارف‌نژاد، ۱۳۹۶، ص ۳۳). هرچند در سال‌های اخیر موفقیت قابل توجهی از لحاظ پوشش به‌ویژه در دوره ابتدایی حتی در دورافتاده‌ترین نقاط روستایی کشور به دست آمده است، اما معضل بی‌سوادی و کم‌سوادی و نابرابری در دسترسی گروه‌های گوناگون جامعه به سطوح تحصیلی بالاتر همچنان وجود دارد (امیری، ۱۳۹۴، ص ۳۴). بر اساس آمارهای رسمی، در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵، ۷۷۷/۸۶۲ نفر بازمانده از تحصیل در کشور وجود داشته که در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ این رقم، با ۲۶ درصد رشد به ۹۱۱/۲۷۲ نفر افزایش یافته است (بیات و ملاشاهی، ۱۴۰۱، ص ۷). این سیر صعودی ادامه داشته و ما در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ شاهد رقمی بیش از ۹۲۹ هزار نفر بوده‌ایم (زالی، ۱۴۰۳). البته

اگر کودکان بدون شناسنامه، مهاجر و پناهنده را نیز به این کودکان اضافه کنیم، شاهد آمار بالاتری خواهیم بود (نجاتی، ۱۳۹۰).

بازماندگی از تحصیل نه تنها یک مسئله آموزشی، بلکه یک مشکل اجتماعی و فرهنگی است (یاراحمدی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۸۲) که زبان‌های مالی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و علمی را متوجه دولت‌ها، خانواده‌ها و دانش‌آموزان می‌کند (مهدوی‌فر، ۱۳۹۸، ص ۶). در توضیحی بیشتر باید گفت کاهش بهره‌وری اقتصادی به علت عدم انباشت سرمایه انسانی و کمبود دسترسی به نیروی ماهر در آینده، از جمله زبان‌های این مسئله محسوب می‌شود (فتحی، ۱۳۹۱). در سوی دیگر، با بازماندن کودکان از تحصیل، هدف آموزش و پرورش که شکل دادن به جامعه آگاه است، تحقق نمی‌پذیرد (Parrillo, 2008). هرچه فردی سال‌های تحصیلی کمتری را در مدرسه بگذراند، احتمال گرفتار شدن به جرم و جنایت برای او افزایش می‌یابد. هر دانش‌آموزی که از تحصیل باز می‌ماند مانند یک بمب ساعتی است که در آینده نه چندان دور منفجر خواهد شد (عبداللهی، ۱۳۹۱) و مترادف است با یک فرصت بزهکاری، نامنی، شرارت و مشاغل کاذب، و این یک واقعیت است. اگر امروز هزینه و تدابیر لازم برای بازگشت بازماندگان از تحصیل به چرخه آموزش اندیشیده نشود، باید در آینده چند برابر آن صرف هزینه زندان، کانون‌های اصلاح و تربیت، دادگاه و پلیس گردد (حدادی‌زاده، ۱۳۹۴، ص ۲۱). یکی دیگر از آسیب‌های محرومیت کودکان از تحصیل، مسئله کودکان کار است. کودکان خارج از چرخه تحصیل عمدتاً وارد بازار کار می‌شوند، البته در بازار کار غیررسمی اعم از کارگاه‌های کوچک، زمین‌های کشاورزی، کارهای خانگی و کار در خیابان‌ها. کودکانی که در سنین پایین مجبور به ترک تحصیل می‌شوند در فرایند رشد خود دچار مشکل شده و برای حضور مناسب در عرصه اجتماعی در زمان بزرگسالی آسیب‌های جدی می‌بینند (اقدسی و زینال‌فام، ۱۳۹۱، ص ۱۱۸). از آنجاکه مشاغل در آینده نیاز به تحصیلات و مهارت‌های خاصی دارند، کودکان بازمانده از تحصیل، از این مهارت‌ها محروم خواهند بود (شهرکی و قادری، ۱۳۹۱، ص ۶۸). این مسئله از نظر روانی هم افسردگی و پیشرفت اجتماعی کم؛ همچنین فساد اخلاقی و احساس تحقیر، و در نهایت پایین آمدن اعتماد به نفس را به دنبال دارد (صادقی، ۱۴۰۲، ص ۴).

بر اساس مطالب پیش گفته و به شکل خلاصه باید گفت بازماندگی از تحصیل بحرانی است که تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر جامعه دارد؛ بنابراین مقابله با بازماندگی از تحصیل نه تنها یک اقدام انسانی، بلکه یک ضرورت اقتصادی و اجتماعی برای تضمین آینده جامعه است. در همین راستا، یکی از گام‌های اساسی، شناسایی علل و زمینه‌های به‌روز این امر، در راستای رفع و پیشگیری از آن است. پی‌جویی این هدف در پژوهش حاضر بر اساس این سؤال خواهد بود: «بر اساس دیدگاه و تجربه کادر آموزشی مدارس، چه علل دیرینه و نوظهوری منجر به بازماندگی از تحصیل دانش‌آموزان می‌شود؟».

پیشینه پژوهش

اقدسی و زینال فام (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «عوامل محیطی و اجتماعی مؤثر در ترک تحصیل دانش آموزان دختر دبیرستان‌های میاندواب»، نشان دادند که عوامل محیطی، خانوادگی، اقتصادی، عوامل مربوط به مدرسه و گروه همسالان بین دانش آموزان عادی و بازمانده از تحصیل متفاوت است و این تفاوت از لحاظ آماری معنادار است؛ یعنی عوامل ذکر شده بیشترین نقش را در ترک تحصیل دختران داشته است.

حدادی زاده (۱۳۹۴) در پایان نامه خود تحت عنوان «علل بازماندگی از تحصیل در دوره متوسطه شهرستان قم در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۴»، به این نتیجه رسید که میان عوامل فردی تفاوت معناداری بین دانش آموزان بازمانده و عادی وجود دارد و تنها همین عامل فردی نقش کلیدی در بازماندگی ایفا می‌کند؛ درحالی که عوامل خانوادگی، اقتصادی و آموزشی تفاوت معناداری نداشتند.

سپیدنامه و دیگران (۱۳۹۵) در مقاله «شناسایی دلایل ترک تحصیل دانش آموزان مقطع ابتدایی منطقه آموزش و پرورش موسیان»، چالش‌های اقتصادی را به عنوان علت اصلی ترک تحصیل معرفی کردند و نقش «باورهای خاص فرهنگی» و «کشمکش‌های قومی - قبیله‌ای» را نیز در کنار آن برجسته ساختند. آنها همچنین نشان دادند که ساختار ناهماهنگ خانواده، فضای نامناسب تعامل معلم و شاگرد و فضای آموزشی درون و برون مدرسه، به بی‌علاقگی به درس منجر می‌شود و در نهایت «بی‌فایده‌گی درس خواندن» و «ترویج الگوی ترک تحصیل» را تقویت می‌کند.

غلام‌پور و آیتی (۱۳۹۸) در مقاله «روایت پژوهی ترک تحصیل دانش آموز دختر روستایی»، دریافتند که مقوله مرکزی ترک تحصیل، «فقر محیطی» (خانوادگی و آموزشی) است که تحت تأثیر عواملی چون فقر اقتصادی، بی‌سوادی والدین، تبعیض جنسیتی، اشتغال در خانه، فاصله تا مدرسه و مختلط بودن مدرسه قرار دارد. آنها همچنین نقش باورهای فرهنگی روستا، استفاده از سرباز معلم و تأثیر گروه همسالان را یادآوری کردند.

بارانی و دیگران (۱۳۹۸) در مقاله «رابطه امید به تحصیل و تحصیل‌گریزی: نقش واسطه‌ای خودنظمی‌جویی تحصیلی»، نشان دادند که معنای تحصیل، خودکارآمدی تحصیلی و تنش‌گرهای تحصیلی عوامل مهمی در پیش‌بینی تحصیل‌گریزی هستند و تقویت معنای تحصیل و خودکارآمدی می‌تواند گرایش به ترک تحصیل را کاهش دهد.

شاه‌محمدی و بهمنی (۱۳۹۹) در مقاله «واکاوی عوامل مؤثر بر ترک تحصیل دختران روستایی با رویکرد نظریه داده‌بنیاد: مورد استان کردستان»، هفت مقوله تأثیرگذار شامل اقتصادی - معیشتی، محیط آموزشی، تعاملات معلم - شاگرد، ساختار خانواده، زمینه‌های فرهنگی و ارزشی، آسیب‌های تحصیلی و نگرش منفی به سواد را شناسایی کردند.

سنجری فر (۱۴۰۰) در مقاله «بررسی رابطه وضعیت اقتصادی و کسب‌وکار والدین با ترک تحصیل فرزندان»، نشان داد که ارتباط مستقیم و معناداری بین وضعیت اقتصادی - شغلی والدین و ترک تحصیل فرزندان وجود دارد.

بیات و ملاشاهی (۱۴۰۱) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی روند ترک تحصیل و بازماندگی از تحصیل در آموزش و پرورش (سال‌های ۱۳۹۳-۱۴۰۱)»، گزارش دادند که پس از همه‌گیری کووید-۱۹ و گرایش به آموزش غیرحضوری، بازماندگی از تحصیل و ترک تحصیل رشد چشمگیری داشته است. آنها با استناد به آمار رسمی، بیش از ۹۱۱ هزار بازمانده و ۲۷۹ هزار تارک از تحصیل را شناسایی کردند و فقدان آمار شفاف از شرایط اجتماعی و اقتصادی آنان را بزرگ‌ترین چالش دانستند.

بیرانوند و دیگران (۱۴۰۱) در مقاله «تفاوت‌های روستا - شهری ازدواج و ترک تحصیل دختران دوره متوسطه دوم»، شیوع سه‌برابری ترک تحصیل دختران روستایی را ناشی از ازدواج زود هنگام دانستند و نقش عوامل خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را برجسته کردند.

مظفری و چراغی (۱۴۰۱) در مقاله «شناسایی عوامل مؤثر بر ترک تحصیل دانش‌آموزان مقطع متوسطه مناطق عشایری شهرستان ماه‌نشان»، دریافتند که عوامل اقتصادی مهم‌ترین عامل مؤثر بر ترک تحصیل دانش‌آموزان می‌باشد؛ همچنین نتایج آزمون فریدمن نشان داد، بالاترین میانگین مربوط به بعد آموزشی و اقتصادی و کمترین مربوط به ابعاد فردی و خانوادگی می‌باشد.

باقری پرمهر و دیگران (۱۴۰۱) در مقاله «بررسی آماری عوامل مؤثر بر بازماندگی از تحصیل کودکان»، سه دسته شاخص اقتصادی، اجتماعی و محیطی را شناسایی کردند و «دختر بودن، زن سرپرست بودن، روستایی بودن، جزء پنج دهک پایین بودن، فاقد اشتغال رسمی بودن و فاقد درآمد ثابت بودن کودک و خانواده وی» را از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر بازماندگی دانستند.

گابلز، ون‌درپوت و آسینک (۲۰۱۹) در مرور فراتحلیلی «عوامل خطر غیبت از مدرسه و ترک تحصیل»، نگرش منفی به مدرسه، سوء مصرف مواد، مشکلات رفتار برون‌ریز و درون‌ریز و مشارکت اندک والدین را به‌عنوان عوامل کلیدی نام بردند.

تسولو، بابالیس و تسولی (۲۰۲۱) در مقاله «تأثیر همه‌گیری کووید-۱۹ بر نظام آموزشی: انزوای اجتماعی و افزایش ترک تحصیل»، نشان دادند که آموزش از راه دور اگرچه ضروری بود، مشارکت نامتوازن دانش‌آموزان کم‌برخوردار یا حاشیه‌ای را تشدید کرد و منجر به افزایش زود هنگام ترک تحصیل گردید.

مندوزا لیرا و دیگران (۲۰۲۳) در مقاله «مفاهیم ترک تحصیل و نگهداشت مدرسه از دیدگاه بازیگران آموزشی شیلی»، دریافتند که ترک تحصیل و نگهداشت به‌صورت پدیده‌های چندبعدی و پیوسته تعریف می‌شوند و مدارس نقش کلیدی در مهار یا تشدید آنها دارند.

اسلامیان و دیگران (۲۰۲۳) در مقاله «درک پایداری ترک تحصیل و عوامل مؤثر بر بازگشت به مدرسه ابتدایی: یک مطالعه کیفی»، گزارش دادند که کودکان ابتدایی ترک تحصیل را فرار از هنجارهای آموزشی می‌دانند و ورود به نقش‌های بزرگسالی (ازدواج، مادری، نگهداری از خواهر و برادر) اولویت‌های دیگری را ایجاد می‌کند.

حمید و دیگران (۲۰۲۴) در مقاله «تعیین عوامل نهفته مؤثر بر بازماندگی از تحصیل دانش‌آموزان در مدارس دوره دوم متوسطه»، عوامل اجتماعی - اقتصادی خانواده، نگرش‌های خانواده و جامعه، هنجارهای فرهنگی، مراقبت‌های روانی و محیط آموزشی مساعد را به‌عنوان مؤثرترین عوامل معرفی کردند.

بیالر و مونتاز (۲۰۲۴) در مقاله «درک ریسک ترک تحصیل دانش‌آموزان: یک مطالعه کیفی»، تأثیر منفی همسالان، زندگی در خانواده‌های ازهم‌گسیخته، مشکلات اقتصادی و عوامل مدرسه‌ای را بر تأخیر، غیبت و کاهش انگیزه دانش‌آموزان نشان دادند.

ونکاتسان، کارمگام و مایپالراجو (۲۰۲۴) در مقاله «بررسی عوامل تعیین‌کننده ترک تحصیل در مناطق مختلف هند: یک فراتحلیل جامع»، عوامل را در ۳۴ حوزه خطر دسته‌بندی کردند و تعداد خواهر و برادر و ترتیب تولد را به‌عنوان شاخص‌های مهم خانواده‌ای و فردی معرفی کردند.

دایاسیری و دیگران (۲۰۲۵) در مقاله «عوامل تعیین‌کننده ترک تحصیل در میان نوجوانان مناطق روستایی سریلانکا»، نشان دادند که مشکلات مالی، مردودی تحصیلی، جدایی والدین و روابط عاطفی منجر به زندگی مشترک، از مهم‌ترین دلایل ترک تحصیل هستند و عملکرد ضعیف تحصیلی، مردودی، انتظارات پایین والدین، بی‌سوادی والدین و سابقه ترک تحصیل خواهر و برادرها به‌طور مستقل خطر ترک تحصیل را افزایش می‌دهد.

در نوآوری این مقاله باید گفت درحالی که پژوهش‌های پیشین عمدتاً به تحلیل کمی عوامل فردی، خانوادگی و محیطی بازماندگی از تحصیل یا روایت تجربیات دانش‌آموزان و خانواده‌ها پرداخته‌اند، نقطه تمایز مطالعه حاضر تمرکز بر بررسی دیدگاه و تجربه دست‌اندرکاران آموزشی است و تلاش بر این است که علاوه بر عوامل دیرینه مانند فقر محیطی و فرهنگی و... زمینه‌های نوظهور نیز از نگاه کادر آموزشی مدارس مورد واکاوی قرار گیرد.

چارچوب نظری

چارچوب نظری پژوهش حاضر بر این پیش‌فرض استوار است که پدیده بازماندگی از تحصیل به‌عنوان مسئله‌ای چندبعدی و پیچیده، محصول درهم‌تنیدگی عوامل گوناگونی است که در سطوح مختلف اجتماعی عمل می‌کنند. بر این اساس است که مندوزا لیرا و دیگران (۲۰۲۳) با تأکید بر ماهیت پیچیده این پدیده، عنوان می‌کنند که ترک تحصیل و نگهداشت به‌صورت پدیده‌های چندبعدی و پیوسته باید دیده شده و مورد توجه قرار گیرد.

مطالعه ادبیات تحقیق در بخش نظری نشان می‌دهد که یکی از عوامل اساسی و زیربنایی بازماندن کودکان از تحصیل، عامل اجتماعی است. در این زمینه، نظریه‌پردازان مکتب بازتولید اجتماعی با ارائه تحلیل‌های جامعه‌شناختی معتقدند که نهادهای آموزشی با توجه به خاستگاه اجتماعی متفاوت دانش‌آموزان، به بازتولید نابرابری‌های اجتماعی موجود در جامعه می‌پردازند. این نظریه‌پردازان بیان می‌کنند که افرادی که از خاستگاه اجتماعی بالاتری برخوردارند، دسترسی بهتری به مدارس باکیفیت‌تر دارند و این مدرسه است که با سازوکارهای

گزینشی خود، دانش‌آموزان را انتخاب می‌کند و به آنها جهت می‌دهد. در همین راستا، اولسون با ارائه تحلیل‌های دقیق جامعه‌شناختی، رابطه عمیق و چندلایه میان پایگاه اجتماعی و آموزش و پرورش را به صورت یک دور باطل فقر و محرومیت آموزشی تصویر می‌کند (شارع‌پور، ۱۳۹۹، ص ۷۵). دومین عامل تأثیرگذار و تعیین کننده، عامل خانوادگی است که شامل ابعاد و مؤلفه‌های متعدد و پیچیده‌ای می‌شود. همان گونه که حمید و دیگران (۲۰۲۴) و آتشک (۱۳۸۸) با دقت و تفصیل مورد بررسی قرار داده‌اند، این عامل شامل مسائل و متغیرهای متعددی همچون اندازه و ترکیب خانواده، سطح تحصیلات والدین، نگرش‌های والدین به آموزش دختران و ... می‌شود. عامل بعدی که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، عوامل مربوط به آموزش و پرورش می‌باشد که بیلار و مونتازر (۲۰۲۴) و آتشک (۱۳۸۸) آن را شامل قوانین و مقررات ناظر بر آموزش، سیاست‌های کلان آموزشی و وضعیت آموزشی مدارس می‌دانند. عامل فرهنگی نیز به عنوان یکی از عوامل عمیق و ریشه‌ای دخیل در این موضوع مطرح است. همان طور که اسمیت (۱۳۸۷) با دقت علمی بالا تعریف کرده است، این عامل کل پیچیده و درهم تنیده‌ای است که دانش، باور، هنر، قوانین، اخلاقیات، رسوم، ارزش‌ها، هنجارها و هرگونه قابلیت و عادات دیگری را شامل می‌شود که انسان به عنوان عضوی از جامعه در طول فرایند جامعه‌پذیری فراگرفته و درونی می‌کند. عامل اقتصادی نیز که باقری پرمهر و دیگران (۱۴۰۱) به تفصیل به بررسی آن پرداخته‌اند، شامل مسائل و متغیرهای متعددی است که به میزان و شیوه کسب درآمد خانوار، هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم آموزش و ... می‌پردازد. در نهایت، عامل جغرافیایی که شکویی (۱۳۹۰) آن را مورد بررسی قرار داده است، به تبیین و تحلیل پراکندگی، افتراق و بازساخت مکانی - فضایی پدیده‌ها، در ارتباط با ساختار اجتماعی - اقتصادی حاکم بر مناطق مختلف می‌پردازد. با در نظر گرفتن کامل و همه جانبه عوامل شش گانه فوق که به عنوان علل و بسترهای دیرینه و بنیادین بازماندگی از تحصیل محسوب می‌شوند، این پژوهش بر آن است تا از منظر بی‌واسطه و تجربه زیسته کادر آموزشی که هم به عنوان مجریان عملیاتی این نظام و هم به عنوان ناظران مستقیم تأثیر این عوامل بر دانش‌آموزان هستند، به بررسی کیفی این پدیده اجتماعی در بافت پیچیده اجتماعی - اقتصادی معاصر ایران بپردازد. بر این اساس، چارچوب نظری حاضر، مبانی لازم برای این پژوهش را فراهم می‌آورد.

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر بر اساس چگونگی گردآوری داده‌ها اکتشافی، از نظر رویکرد، کیفی از نوع تحلیل محتوای عرفی است. افراد مورد مطالعه، کادر آموزشی مدارس شهر خرم‌آباد بودند که گروه ۲۱ نفره مشارکت‌کنندگان از میان ایشان بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند، انتخاب شدند و در مورد حجم نمونه نیز بر اساس اصل اشباع اقدام گردید. جمع‌آوری داده‌ها با مصاحبه نیمه ساختاریافته بیش از ۴۰ روز به طول انجامید و مدت زمان مصاحبه‌ها از ۱۰ تا ۲۵ دقیقه متغیر بود. در ادامه تجارب ثبت شده معلمان، برای رسیدن به مضامین اصلی و

فرعی، کدگذاری شد. از آنجاکه اعتبارپذیری داده‌ها در این گونه از تحقیقات بر اساس دو شیوه کنترل اعضا و خودبازبینی پژوهشگر است (عباس‌زاده، ۱۳۹۱)، در پژوهش حاضر، پژوهشگر در چندین نوبت به بازبینی نتایج پرداخته و اصلاحات لازم را در آن اعمال نمود. برای محاسبه پایایی نیز از میان کل مصاحبه‌ها، ۳ نمونه به صورت تصادفی انتخاب و هر کدام از آنها دوبار در فاصله زمانی ۱۰ روزه کدگذاری گردید. پس از این مرحله، به بررسی میزان توافق بر اساس فرمول زیر پرداخته شد. با توجه به نتیجه به دست آمده که بیشتر از شصت درصد می‌باشد، می‌توان گفت که پایایی پژوهش مناسب است.

$$\text{درصد پایایی} = \frac{\text{تعداد توافقات} \times 100}{\text{تعداد کل کدها}}$$

جدول ۱: نتایج بررسی پایایی در دو بازه زمانی

شماره مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	پایایی آزمون (درصد)
۱۰	۷	۳	۸۵
۱۱	۶	۲	۶۶
۲۱	۳	۱	۶۶
کل	۱۶	۶	۷۵

یافته‌های پژوهش

الگوهای نادرست

کد ۱: من به عینه دیدم، مردهای روستا به دلیل مشکلات مالی، به شغل‌های کاذب، اما پردرآمد در تهران روی آوردند، و بچه‌ها تغییر زندگی اینها را دیدند و ترغیب شدند که درس و مدرسه را رها کنند و مثل آنها به دنبال کار قانونی یا غیرقانونی به شهرهای بزرگ بروند؛ پس الگوها و نمونه‌ها در تصمیم بچه‌ها برای ادامه تحصیل تأثیر گذارند.

فرهنگ غلط خانواده

کد ۲: در بیشتر روستاها و مناطق دورافتاده همچنان از ادامه تحصیل بچه‌ها به خصوص دخترها جلوگیری می‌کنند. به نظرم باید بین مردم این فرهنگ غلط که برای دخترها فقط سواد خواندن و نوشتن کافی است، از بین برود.

کد ۱۸: زمانی که در روستا تدریس می‌کردم، موردی داشتیم که مادر از کلاس پنجم دیگر اجازه درس خواندن به دخترش نداد و استدلالش این بود که دخترم باید بیاید در خانه، مهارت زندگی را یاد بگیرد.

کد ۲۱: برخی خانواده‌ها بر این اعتقاد هستند که پسر و دختر هرچه زودتر باید مهربای کار و ازدواج شوند. نمونه آن دانش‌آموز بنده بود که در پایان دبستان ترک تحصیل کرد و پدر قانع نشد که فرزندش را به مدرسه بفرستند و او را همراه خود سرکار برد.

ازدواج زودهنگام

کد ۳: در برخی مناطق روستایی و عشایری به خاطر ازدواج زودهنگام دختران، خیلی از آنها دیگر میلی به ادامه تحصیل ندارند و وارد فضای زندگی می‌شوند و اجازه تحصیل به آنها نمی‌دهند.

کد ۹: یک دختر بعد از اینکه ازدواج می‌کند به جای اینکه با خود بگوید «الان همسر را هم دارم و او می‌تواند حمایت کند تا در تحصیل موفق شوم»، ترک تحصیل می‌کند؟ دلیل آن برمی‌گردد به سنی که دانش‌آموز دارد و اینکه اکثر آنها در این سن هنوز به درک درستی نرسیده‌اند و این تفکر را دارند که با ازدواج دیگر نیازی به درس خواندن ندارند.

کد ۲۰: ازدواج زودهنگام یکی دیگر از دلایل ترک تحصیل است؛ چون قاعدتاً یک دختر ۱۵ ساله هم‌زمان توان رسیدگی به درس و زندگی را ندارد؛ بنابراین خیلی راحت درس را کنار می‌گذارد و به خانه و زندگی می‌رسد.

کاهش ارزش علم

کد ۲: در وضع کنونی جامعه پول از علم جایگاهش بالاتر رفته است. با این وضعیت انگیزهٔ بچه‌ها برای ادامهٔ تحصیل کم می‌شود و برخی از آنها را مصمم به ترک مدرسه و درس می‌کند.

کد ۲۱: امروزه که رسیدن به پول و شغل از راه علم و تحصیل تقریباً مسدود است، اقبال خانواده‌ها به تحصیل فرزندان‌شان کم شده و به واقع علم آن جایگاهی که باید داشته باشد را در بین مردم ندارد.

برخورد نامناسب معلم

کد ۳: دانش‌آموزان نیاز دارند که محبت ببینند و فضای مدرسه برایشان امن و دوستانه باشد، اما متأسفانه برخی از همکاران به دلیل ایجاد فضای رعب و وحشت و همچنین نمایش حس بی‌مهری به دانش‌آموز، باعث می‌شوند که آنها دیگر علاقه‌ای برای آمدن به مدرسه نداشته باشند.

کد ۴: برخی رفتارهای نامناسب هم تأثیر دارد. سال‌ها قبل همکاری داشتیم که بسیار بد با بچه‌ها رفتار می‌کرد. یک بار یکی از بچه‌ها را به شدت تحقیر کرد و... متأسفانه رفتارهای عصبی و تند همین همکار باعث شد که بچه دیگر به مدرسه نیاید.

کد ۵: وقتی معلم با دانش‌آموزان بدرفتاری کند، سرشان داد بزنند، تحقیرشان کند یا به آنها بی‌توجهی کند، دانش‌آموزان دل‌زده می‌شوند و این دل‌زدگی و حس بد کم‌کم در برخی از بچه‌ها که از نظر روحی ضعیف‌تر و آسیب‌پذیرتر هستند، ممکن است منتهی به ترک تحصیل شود.

ارزشیابی سختگیرانه

کد ۳: ارزشیابی توصیفی یکی از اتفاقات خوب است که در گذشته وجود نداشت. در دوره‌های گذشته، استرس و ترس که دانش‌آموزان از نمره داشتند، باعث می‌شد که از مدرسه فراری باشند، اما امروزه با برقراری روش توصیفی در مقطع دبستان، دیگر این امر اتفاق نمی‌افتد و دانش‌آموز با آرامش مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد.

کد ۵: برگزاری امتحانات سخت می‌تواند باعث ترک تحصیل شود. وقتی دانش‌آموزها با امتحاناتی روبه‌رو می‌شوند که خیلی سخت و استرس‌زاست، ممکن است که احساس کنند که نمی‌توانند موفق شوند و کتش ادامه تحصیل را ندارند.

فقر و مشکلات اقتصادی

کد ۳: از دیگر دلایل مهم، فقر و مشکلات اقتصادی حاکم بر جامعه بوده و هست. این روزها حتی در مدارس دولتی، دانش‌آموز باید هزینه‌هایی تحت عناوین مختلف به مدرسه پرداخت کند. شاید این هزینه‌ها برای برخی خانوارها سبک باشد، اما واقعاً خانواده‌های هستند که توانایی پرداخت همان هزینه‌های کوچک را هم ندارند، و این باعث می‌شود که دیگر فرزندان‌شان را به مدرسه نفرستند.

کد ۴: طبق تجربه شخصی خودم در همین یک ماه اخیر یکی از آشنایان دختر ۱۲ ساله خود را که فرزند اولش بود و در کل چهار فرزند داشت به مرد چهل ساله‌ای داد؛ چون پدر از پس هزینه‌های زندگی بر نمی‌آمد و ترجیح داد دخترش ترک تحصیل کند، یه نان‌خور کمتر شود و داماد ثروتمندی به خانواده بیايد.

کد ۱۰: من اصالتاً خوزستانی هستم. در اطراف شهر دزفول، یک شهرک کوچک به نام ... واقع شده است. بیشتر مردم آن به کارگری و کشاورزی مشغول هستند و فرزندان خانواده هم به دلیل مشکلات مالی مجبور به کار و ترک تحصیل می‌شوند.

کد ۱۱: یک دسته از دانش‌آموزان هم به خاطر نداشتن شرایط مالی، از مدرسه خارج شده و برای درآوردن خرج خود و خانواده‌شان به سمت کسب‌وکار می‌روند.

بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی

کد ۴: از دیگر دلایل، فارغ‌التحصیلان دانشگاهی هستند. بچه‌ها وقتی می‌بینند که بسیاری از نزدیکان‌شان با تلاش فراوان درس خوانده‌اند، کنکور داده‌اند، و با وجود تمامی هزینه‌ها، زمان صرف‌شده و استرس زیادی که تحمل کرده‌اند، همچنان بیکار هستند. این فرایند به بچه‌ها نشان می‌دهد که ممکن است در بهترین حالت آنها در سنین ۲۵ یا ۲۶ سالگی همچنان بیکاری باشند. دانشگاه‌ها در آموزش مهارت‌های کاربردی خارج از محیط اداری و سنتی ضعیف عمل کرده‌اند، و بسیاری از فارغ‌التحصیلان توانایی پیدا کردن شغل به‌صورت مستقل را ندارند. این شرایط باعث می‌شود که نوجوانان به این نتیجه برسند که ترک تحصیل و ورود زودتر به بازار کار، ممکن است مفیدتر باشد.

کد ۵: وقتی بچه‌ها خصوصاً متوسطه می‌بینند که خیلی از تحصیل کرده‌ها بیکار هستند، انگیزه ادامه تحصیل‌شان از بین می‌رود و یا برای رفع تکلیف و بدون انگیزه درس را ادامه می‌دهند و یا طاقت نمی‌آورند و تصمیم سخت ترک تحصیل را می‌گیرند.

جاذبه کار و درآمدزایی

کد ۴: یکی از دانش‌آموزانم به تازگی ترک تحصیل کرد. پیگیر شدم که چرا این اتفاق افتاده؟ چون خانواده بدی نداشت و از نظر درسی هم ضعیف نبود. پاسخی که دریافت کردم این بود که «درس خواندن مهم نیست، الان

هیچ کس دنبال علم و این چیزها نمیره! من از همین الان برای آرایشگری آموزش می‌بینم و کار آرایشگری را یاد می‌گیرم! اگر از نظر شغلی مستقل هم بشم حتی به ازدواج فکر نخواهم کرد...».

کد ۱۱: بعضی‌ها که خانواده‌شان مشکل مالی هم ندارد، به بهانه کسب و کار به فکر ترک تحصیل می‌افتند.
کد ۱۲: دانش‌آموزم در سبزی‌فروشی شروع به کار کرد. باور او این بود که اگر در بازار کار کند، خیلی موفق‌تر است و بعد مدرکش را هم از دانشگاه پیام نور یا آزاد می‌گیرد. با استدلال‌هایش توانست خانواده را متقاعد کند و ماهی یک ماهی کار کردیم که ترک تحصیل نکند، بی‌فایده بود.

کد ۲۰: خیلی از بچه‌ها خصوصاً پسرها در دوره متوسطه به فکر شغل و کسب درآمد می‌افتند و وقتی می‌بینند از مسیر درس و دانشگاه رسیدن به شغل بی‌معنی و دست‌نیافتنی است، ترک تحصیل می‌کنند و به دنبال مشاغل آزاد می‌روند.
کد ۲۱: بسترهای جدید کار و درآمدزایی، به‌ویژه در دنیای دیجیتال، ممکن است باعث شود که بچه‌ها به جای ادامه تحصیل، به سمت کار و درآمدزایی بروند. این بسترها می‌توانند شامل مشاغل آنلاین و کسب و کارهای کوچک باشند. وقتی جوانان می‌بینند که می‌توانند از طریق کارهای غیررسمی یا کارهای آنلاین به درآمد برسند، ممکن است تحصیل را کم‌اهمیت‌تر بدانند و تصمیم به ترک تحصیل بگیرند.

عقب‌افتادگی آموزشی

کد ۵: در مواقعی دانش‌آموز نمی‌تواند به‌موقع دروس خود را پیش ببرد و بر اساس برنامه‌ریزی به سطح علمی مورد انتظار برسد. این مسئله می‌تواند به خاطر مشکلات فردی، خانوادگی، اجتماعی یا آموزشی باشد. به‌هرحال، اگر این عقب‌ماندگی جبران نشود، می‌تواند منجر به ترک تحصیل شود.
کد ۲۰: دانش‌آموزی داشتم که پدر و مادر بی‌سواد داشت و دو سال ایام کرونا را بدون یادگیری درست، قبول شده بود. بعد از حضوری شدن مدارس، زمانی که سر کلاس حاضر شد، به خاطر عقب‌افتادگی درسی، به شدت نسبت به درس و مدرسه احساس تنفر داشت، و علی‌رغم پیگیری من، ترک تحصیل کرد.

نارسایی‌های جسمانی

کد ۵: وقتی بچه مشکل جسمی دارد، نمی‌تواند خوب ببیند یا بشنود یا پایش مشکل دارد، خب طبیعتاً نمی‌تواند مثل بقیه بچه‌ها درس بخواند. این مشکلات باعث می‌شود از درس عقب بماند، خیلی وقت‌ها اذیت، تحقیر، سرزنش شود یا مورد ترحم بیجا قرار بگیرد و به یک‌باره یا کم‌کم به این نتیجه برسد که مدرسه جای او نیست و ترک تحصیل کند.
کد ۱۵: شاگردی داشتم که از نظر شنوایی مشکل داشت. این دختر صحبت‌های دوستان و معلمان را به‌خوبی متوجه نمی‌شد. بعضی اوقات جواب‌های بی‌ربط می‌داد! بارها صدایش می‌زدیم تا متوجه می‌شد... همین اختلال شنوایی نهایتاً باعث می‌شد که بچه‌ها به او بخندند و او را مورد تمسخر قرار دهند؛ در نهایت هم همین شرایط منجر به ترک تحصیل او شد.

اختلالات یادگیری

کد ۱۵: اختلالات یادگیری هم یکی دیگر از دلائل ترک تحصیل است. پیش می‌آید که خانواده‌ها برای رفع مشکل اقدام نمی‌کنند و یا متخصصینی که باید به حل مشکل کمک کنند وجود ندارند، و مشکل بچه باعث سرزنش از طرف معلم یا تمسخر از طرف بچه‌ها می‌شود و کم‌کم بچه را از فضای کلاس و درس دل‌زده و ناراحت می‌کند و زمینه‌ای می‌شود برای ترک تحصیل.

تجربه شکست در برنامه‌ریزی و مطالعه

کد ۱۵: تجربه شکست در برنامه‌ریزی و درس خواندن می‌تواند به انگیزه و اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان آسیب بزند. این موضوع ممکن است باعث شود که علاقه به تحصیل کم شود و در نهایت به ترک تحصیل برسد.

کتاب‌های درسی

کد ۱۵: محتوای حجیم کتاب‌های درسی می‌تواند باعث ترک تحصیل شود. وقتی درس‌ها خیلی زیاد و سخت باشند، دانش‌آموزها احساس می‌کنند که نمی‌توانند به‌خوبی از پس آنها بر بیایند؛ این باعث می‌شود که دلسرد شوند و انگیزه‌شان برای ادامه تحصیل کم شود.

کد ۱۸: یکی از مهم‌ترین عوامل ترک تحصیل عدم ارائه مطالب مفید در کتاب‌هاست. مطالب دشواری که فقط بچه را خسته می‌کند و غالباً غیر کاربردی است، اینها باعث دل‌زدگی بچه‌ها و عاملی برای ترک تحصیل می‌تواند باشد.

انتخاب نادرست رشته

کد ۱۵: وقتی دانش‌آموزها بدون فکر و بررسی دقیق یک رشته را انتخاب می‌کنند، ممکن است بعداً متوجه شوند که اصلاً به آن رشته علاقه‌ای ندارند یا توانایی لازم را ندارند. این عدم علاقه و نارضایتی می‌تواند باعث شود که انگیزه‌شان برای ادامه تحصیل کم شود و در نهایت تصمیم بگیرند که تحصیل را کنار بگذارند.

کد ۲۰: گاهی اوقات خانواده‌ها اجازه نمی‌دهند بچه‌ها بر اساس علاقه رشته تحصیلی‌شان را انتخاب کنند، مثلاً فشار می‌آورند که بچه‌ها به جای رشته‌های فنی به سراغ تجربی بروند، در ادامه اتفاقی که می‌افتد این است که بچه از پس درس‌ها به خاطر سختی و بی‌علاقگی بر نمی‌آید و در بهترین حالت یا دیپلم می‌گیرد و رها می‌کند یا تحصیلات را نیمه‌کاره رها می‌کند.

نارضایتی اطرافیان از ادامه تحصیل

کد ۱۵: وقتی خانواده یا دوستان از انتخاب رشته یا ادامه تحصیل بچه‌ها حمایت نکنند یا انتقاد کنند، ممکن است بچه‌ها احساس کنند که ارزش کار یا درس خواندن‌شان کم است؛ این فشار می‌تواند انگیزه‌شان را کم کند و باعث شود تصمیم به ترک تحصیل بگیرد.

کد ۱۶: در مدرسه ما دختری عشاير بود... همين کوچ باعث شده بود که تحصيل برايش سخت شود. اين دختر خودش علاقه زيادی به درس خواندن و تحصيل داشت، اما خانواده اش به خاطر سختی رفت و آمد و شرايط سخت زندگی و اينکه مادرش کارهای زيادی داشت و نمی توانست به تنهایی همه کارها را انجام بدهد، مخالف تحصيل بودند و در نهايت هم به خاطر همين اجازه ندادند که ادامه تحصيل بدهد.

کد ۱۹: در برخی از موارد ديده می شود که خانواده ها مخالفت دانشگاه رفتن بچه ها هستند و همين مسئله انگيزه تکميل دوره های تحصيلی متوسطه را از بچه ها می گيرد و آنها را به سمت رها کردن تحصيل و ترک آن سوق می دهد.

تنش ها و مشکلات خانوادگی

کد ۶: عامل ديگر مشکلات خانوادگی است؛ محيط ناامن خانه ذهن دانش آموز را دچار آشفته و او را منزوی می کند و انگيزه بچه را می گيرد. اين وضعيت حتی فرايند يادگيري و حضور در کلاس را برای دانش آموزان دچار مشکل می کند. دانش آموز تمرکز لازم را ندارد و دائم به مشکلات والدين فکر می کند و هر لحظه منتظر خبر و اتفاقی ناگوار از جانب والدين است. در چنين حالتی، ترک تحصيل محتمل است.

کد ۱۴: يکی از شاگردانم شرايط خانوادگی مناسبی نداشت و پدرش معتاد و دارای مشکل بود. اين دختر هم تحت تأثير محيط خانواده بسيار عصبی و خشن بود و دائماً با بچه های مدرسه درگير می شد و دعوا راه می انداخت. در نهايت، چون مشاور هم نتوانست کاری برای اين دختر کند، ترک تحصيل کرد.

طلاق والدين

کد ۱۸: طلاق والدين خیلی تأثيرگذار بر ترک تحصيل بچه هاست. بچه ای که نظارت والدين را ندارد يا دائماً از اين خانه به آن خانه می شود، آرامش و انگيزه ای برای درس خواندن ندارد.

رويه های غلط و غيررسمی آموزش و پرورش

کد ۸: از دلائل عمده ترک تحصيل خود آموزش و پرورش است که برخلاف قانون رايجان و همگانی بودن آموزش، امکانات آموزشی را به سمت دارا و ندار بودن می برد و شرايط را آن قدر سخت کرده که امکان تحصيل حتی برای طبقه متوسط جامعه هم کم کم دشوار می شود.

مسائل پيرامون کنکور

کد ۸: مسئله بعدی کنکور و حاشيه های آن است که انگيزه بچه ها را نابود می کند و به بچه اين حس منتقل می شود که وقتی پول، مدرسه و معلم آن چنانی و سهميه نداری، وقت خودت را بيهود تلف نکن، تو آینده ای نداری، هر چقدر هم باهوش باشی و تلاش کنی.

بی تفاوتی والدين

کد ۸: بی تفاوتی والدين نسبت به تحصيل، می تواند تأثير منفي روی انگيزه بچه ها داشته باشد. اگر والدين به تحصيل

اهمیت ندهند یا از بچه‌ها حمایت نکنند، فرزندان ممکن است احساس کنند که تحصیل برایشان مهم نیست و به همین دلیل به ترک تحصیل اقدام کنند.

نبود امکانات آموزشی متناسب

کد ۱ و ۱۱: در برخی روستاها دبیرستان وجود ندارد؛ بچه‌ها مجبور می‌شوند هر روز تقریباً ۵، ۶ کیلومتر کمتر یا بیشتر، مسیر را طی کنند تا به روستاهای نزدیک که مقاطع بالاتر را دارند برسند، یا به شهر بروند و در خوابگاه زندگی کنند و تحمل شرایط آنجا معمولاً برای بچه‌ها سخت است...، همین شرایط باعث می‌شود که برخی به فکر ترک تحصیل بیفتند.

کد ۱۷: مورد دیگر اینکه مدارس عشایری به آن شکلی که باید وجود ندارد که مثلاً بروند روی کوه و به بچه‌ها درس بدهند. از اردیبهشت که کوچ می‌کنند، اگر بچه‌ای در مدرسه باشد، از درس جا می‌ماند و نمی‌تواند امتحانات پایانی را بدهد و با تکرار این وضعیت، معمولاً بچه‌ها درس را رها می‌کنند و به زندگی بدون درس و مدرسه عادت می‌کنند.

بلوغ و هیجانات عاطفی

کد ۱۰: مورد بعدی بلوغ جنسی است. یکی از شاگردانم با دختری وارد رابطه عاطفی شده بود و می‌خواست که در سن کم (کلاس دهم) ازدواج کند و درس را رها کند و به کار کردن مشغول شود...؛ در آخر هم با وجود مداخله ما این اتفاق افتاد و ترک تحصیل کرد.

کد ۱۳: بچه‌ها به خاطر هیجانات عاطفی که خصوصاً در دوران بلوغ تجربه می‌کنند، ممکن است دچار مشکلاتی شوند که در نهایت به ترک تحصیل و بازماندن از درس و مدرسه منجر شود.

معلمان ناامید

کد ۱۰: بچه‌ها در سنین نوجوانی و جوانی نگران آینده هستند که بعد از فارغ‌التحصیلی چه اتفاقی می‌افتد و آیا شغل مناسبی پیدا می‌کنند یا نه؟ در این شرایط برخی معلمان به جای تزریق شور و امید و آرامش، بذر ناامیدی را در دل بچه‌ها می‌کارند و بدبینی بچه‌ها را بیشتر می‌کنند. آنها می‌گویند شغل آزاد درآمدش بیشتر است، یا افرادی که مدرک گرفته‌اند بعد از آن همه تلاش سرکار نرفته‌اند، یا ما این همه دودیدیم الان ماهی ده، دوازده تومان می‌گیریم... همین رفتارهای نادرست معلمان، بچه‌ها را بی‌انگیزه و نسبت به ادامه تحصیل سرد می‌کند.

محیط اجتماعی نامناسب

کد ۱۰: مورد بعدی محیط و محل تحصیل بچه‌هاست. نبود آدم‌های موفق و تحصیل کرده که می‌توانند الگو و راهنمای بچه‌ها باشند و جو فرهنگی خوب و سالمی به وجود آورند، از دیگر مشکلات و دلایل ترک تحصیل است.

تأثیر همسالان

کد ۶: از دلایلی که می‌توان به آن اشاره کرد، دوستی‌های ناسالم، درگیری‌ها و قلدری‌ها و آسیب‌های جسمی مکرر در مدرسه است که در پسران بسیار پررنگ‌تر است. این وضعیت در مدرسه، ممکن است به تدریج و با شدید شدن و عدم پیگیری، باعث دل‌زدگی از درس و مدرسه شود و به ترک تحصیل بیانجامد. علاوه بر این یک دوست مسئله‌دار یا بچه‌ای که ذهنش درگیر درس نیست و فکرش حول و حوش ترک تحصیل می‌گردد، غیرممکن است روی بقیه بچه‌ها تأثیر منفی نگذارد.

کد ۱۰: دوستان بچه‌ها هم می‌توانند بر تصمیم آنها بر روی ادامه یا ترک تحصیل مؤثر باشند. فرق دارد که دوست بچه تمرکز بر رفتن به دانشگاه و رسیدن به شغل از مسیر علم را داشته باشد، یا بر عکس دائماً سرگرم شیطنتهای خودش باشد و درس را در جلو چشم او بی‌اهمیت و زجرآور ترسیم کند.

عدم درک اهمیت درس

کد ۱۱: مسئله بعدی این است که بچه‌ها درس خواندن را کار بیهوده می‌دانند و آن را اتلاف وقت می‌بینند. به همین علت ترک تحصیل می‌کنند. بچه‌ها خیلی دقت می‌کنند، مثل ما نیستند، دائم می‌پرسند که این درس‌ها، این موضوعات به چه کار ما می‌آید، چه دردی را از ما دوا می‌کند، چرا باید ذهن خودمان را با این مباحث پر و خراب کنیم؟

مشکلات روحی - روانی

کد ۱۲: به نظرم مشکلات روحی و روانی، موردی است که زیاد به آن توجه نشده است. قطعاً اضطراب، افسردگی، دوقطبی بودن و... می‌تواند از دلایل ترک تحصیل بچه‌ها باشد. به عنوان یک تجربه شخصی خدمت شما عرض کنم که سال ۱۴۰۰ در مدرسه... دانش‌آموزی داشتیم که دوقطبی بود... یک دفعه قرآن می‌خواند و یک دفعه کفر می‌گفت و اضطراب و استرس شدیدی داشت. مشکل را با والدین دختر در میان گذاشتیم، پدر مقاومت کرد و گفت که اگر ازدواج کند، خوب می‌شود. درواقع به اولین خواستگارش هم جواب مثبت داد و ترک تحصیل کرد.

کد ۱۴: یک مورد دیگر که ما با آن مواجه شدیم، دختر خانمی بود که سر کلاس نمی‌ماند، با بچه‌ها نمی‌توانست ارتباط برقرار کند، می‌رفت دفتر و مدیر هم یک سری فعالیت‌ها به او می‌داد که انجام دهد... این دختر خیلی احساسی و آسیب‌پذیر بود، هر کاری به او می‌گفتیم انجام می‌داد، غیر از اینکه برود سر کلاس و با بچه‌ها بنشیند و درس بخواند؛ در نهایت هم ترک تحصیل کرد.

تبدیل شدن زیبایی به اولویت

کد ۱۷: موردی را در مدرسه داشتیم که به دختر کلاس نهم بعد از تعطیلات تابستان گفتیم که باید ناخن کاشته‌ات را برداری و دختر لج کرد و دیگر به مدرسه نیامد. یک مورد دیگر هم داشتیم که موهای دختر بیش از حد معمول بلند

بود، تذکر دادیم که باید برای مدرسه کوتاه کنی، پاسخی که شنیدیم این بود که ارزش موهایی من از درس و مدرسه بیشتر است و دیگر به مدرسه نیامد.

تمکن مالی

کد ۱۸: امروزه برخی بچه‌ها به دلیل ثروت زیاد خانواده درس را رها می‌کنند. از یک سنی به بعد، این تصور برای آنها پیش می‌آید که چون خانواده است، ما نیازی به درس نداریم. با مورد این چنینی خود ما در مدرسه منطقه ثروتمندترین خرم‌آباد روبه‌رو بودیم و پسری که پدر ثروتمندی داشت، دیگر حاضر نشد به مدرسه بیاید.

فوت مادر

کد ۱۰ و ۱۹: مورد دیگری هم شاهد بودم که مادر خانواده فوت کرد و دختر بزرگ‌تر مجبور به ترک تحصیل شد تا به خانه و بچه‌های کوچک‌تر برسد.

نام و جو بد مدرسه

کد ۱۹: در برخی مناطق مهاجرپذیر، چند فرهنگی و حاشیه شهر مسئله دیگری که وجود دارد، فضای بد حاکم بر مدارس است. در این مدارس، تربیت بیش از اینکه در دست معلمان باشد، از سوی بچه‌ها بر روی همدیگر اعمال می‌شود؛ یعنی بچه‌ها به هم چیزهایی را یاد می‌دهند که کل جریان تعلیم و تربیت در مدرسه را به حاشیه می‌برد و خنثی می‌کند. در مواردی شاهد بوده‌ام که بچه‌ها در مدرسه سیگاری شده‌اند، یا تحت تأثیر دوستان چیزهایی را یاد گرفته‌اند و وقتی خانواده‌ها متوجه شده‌اند، دیگر اجازه ادامه تحصیل به بچه‌ها نداده‌اند.

ظهور هوش مصنوعی

کد ۲۱: هوش مصنوعی می‌تواند بر بازار کار و زندگی آینده تأثیر بگذارد و بسیاری مشاغل را از بین ببرد. بچه‌هایی که قوت و گستره این تکنولوژی را می‌بینند، ممکن است احساس کنند که آینده دیگر قابل پیش‌بینی نیست و تحصیل نیز به اندازه گذشته ارزشمند نیست... به همین دلیل تصمیم به ترک تحصیل بگیرند.

جدول ۲: جدول مضامین

مضامین اصلی	مضامین فرعی
۴ ۳ ۲ ۱	نارسایی‌های جسمانی
	اختلالات یادگیری
	مشکلات روحی - روانی
	عقب‌افتادگی آموزشی
	بلوغ و هیجانات عاطفی
	تجربه شکست در برنامه‌ریزی و مطالعه
	عدم درک اهمیت درس
	انتخاب نادرست رشته

عوامل خانوادگی	فرهنگ غلط خانواده
	ازدواج زودهنگام
	تنش ها و مشکلات خانوادگی
	بی تفاوتی والدین
	طلاق والدین
	فوت مادر
	نارضایتی اطرافیان از ادامه تحصیل
	فقر و مشکلات اقتصادی
	تمکن مالی
عوامل اجتماعی	تأثیر همسالان
	محیط اجتماعی نامناسب
	الگوهای نادرست
	جاذبه کار و درآمدزایی
	بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی
	کاهش ارزش علم
	تبدیل شدن زیبایی به اولویت
	ظهور هوش مصنوعی
	ارزشیابی سختگیرانه
عوامل آموزشی	رویه های غلط و غیررسمی آموزش و پرورش
	مسائل پیرامون کنکور
	نبود امکانات آموزشی متناسب
	معلمان ناامید
	کتاب های درسی
	نام و جو بد مدرسه
	برخورد نامناسب معلم

نتیجه گیری

در این پژوهش علل و زمینه های مؤثر در بازماندگی از تحصیل دانش آموزان بررسی شد. یافته های تحقیق نشان دهنده مجموعه ای از عوامل تأثیرگذار است که در چهار دسته «فردی، خانوادگی، اجتماعی و آموزشی» طبقه بندی شدند. در ادامه، نتایج این مطالعه با پژوهش های پیشین مقایسه و تحلیل می شود.

در تحقیق پیش رو عواملی مانند «نارسایی های جسمانی، اختلالات یادگیری، مشکلات روحی - روانی، عقب افتادگی آموزشی، بلوغ و هیجانات عاطفی، تجربه شکست در برنامه ریزی و مطالعه، عدم درک اهمیت درس، انتخاب نادرست رشته» به عنوان علل فردی شناسایی شدند. این یافته ها با نتایج تحقیقات پیشین مانند پژوهش های حدادی زاده (۱۳۹۴)، بارانی و دیگران (۱۳۹۸)، شاه محمدی و بهمنی (۱۳۹۹)، مظفری و چراغی (۱۴۰۱)، گابلز و دیگران (۲۰۱۹)، اسلامیان و دیگران (۲۰۲۳) هم راستا است.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که مشکلات خانوادگی مانند «فرهنگ غلط خانواده، ازدواج زودهنگام، تنش‌ها و مشکلات خانوادگی، بی‌تفاوتی والدین، طلاق والدین، فوت مادر، نارضایتی اطرافیان از ادامه تحصیل، فقر و مشکلات اقتصادی و تمکن مالی» از جمله علل دیگر بازماندگی از تحصیل هستند. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات پیشین مانند تحقیقات اقدسی و زینال‌فام (۱۳۹۱)، سپیدنامه و دیگران (۱۳۹۵)، غلام‌پور و آیتی (۱۳۹۸)، شاه‌محمدی و بهمنی (۱۳۹۹)، سنجری (۱۴۰۰)، بیرانوند و دیگران (۱۴۰۱)، مظفری و چراغی (۱۴۰۱)، باقری پرمهر و دیگران (۱۴۰۱)، گابلز و دیگران (۲۰۱۹)، تسولو و دیگران (۲۰۲۱)، اسلامیان و دیگران (۲۰۲۳)، حمید و دیگران (۲۰۲۴)، بیلار و موتناز (۲۰۲۴)، ونکاتسان و دیگران (۲۰۲۴) و دایاسیری و دیگران (۲۰۲۵) همخوانی دارد که به نقش خانواده در این مسئله اشاره کرده‌اند. «تأثیر همسالان، محیط اجتماعی نامناسب، الگوهای نادرست، جاذبه کار و درآمدزایی، بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، کاهش ارزش علم، تبدیل شدن زیبایی به اولویت، ظهور هوش مصنوعی» از جمله عوامل اجتماعی هستند که بر بازماندگی از تحصیل دانش‌آموزان مؤثرند. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات پیشین مانند اقدسی و زینال‌فام (۱۳۹۱)، غلام‌پور و آیتی (۱۳۹۸)، شاه‌محمدی و بهمنی (۱۳۹۹)، بیرانوند و دیگران (۱۴۰۱)، باقری پرمهر و دیگران (۱۴۰۱) و حمید و دیگران (۲۰۲۴) که بر تأثیر عوامل محیطی و اجتماعی تأکید کرده‌اند، همخوانی دارد. در نهایت نیز عوامل آموزشی مؤثر بر بازماندگی از تحصیل قرار دارند که شامل این دسته از مضامین است: «برخورد نامناسب معلم، ارزشیابی سختگیرانه، رویه‌های غلط و غیررسمی آموزش و پرورش، مسائل پیرامون کنکور، نبود امکانات آموزشی متناسب، معلمان ناامید، کتاب‌های درسی، نام و جو بد مدرسه». این نتایج با تحقیقات پیشین، مانند پژوهش سپیدنامه و دیگران (۱۳۹۵)، غلام‌پور و آیتی (۱۳۹۸)، بارانی و دیگران (۱۳۹۸)، شاه‌محمدی و بهمنی (۱۳۹۹)، مظفری و چراغی (۱۴۰۱)، گابلز و دیگران (۲۰۱۹)، اسلامیان و دیگران (۲۰۲۳)، مندوزا لیرا و دیگران (۲۰۲۳)، حمید و دیگران (۲۰۲۴)، بیلار و موتناز (۲۰۲۴) و دایاسیری و دیگران (۲۰۲۵) مطابقت دارد که به مشکلات سیستم آموزشی و برخورد نامناسب معلمان با دانش‌آموزان پرداخته‌اند.

نتایج کلی نشان می‌دهند که بازماندگی از تحصیل، یک پدیده چندوجهی است که تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل قرار دارد. بسیاری از عوامل ذکرشده در این تحقیق با پژوهش‌های پیشین تطابق دارند، اما در این تحقیق عواملی چون ظهور هوش مصنوعی، کاهش ارزش علم، معلمان ناامید، تمکن مالی، بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و تبدیل زیبایی به اولویت و... که به‌طور ویژه به تغییرات جدید در جامعه اشاره دارند، به‌عنوان عواملی نو ظهور شناسایی شدند. این یافته‌ها نشان‌دهنده تحولاتی است که در دنیای امروز تأثیرات خود را بر انگیزه و رفتار تحصیلی دانش‌آموزان گذاشته است. پژوهش حاضر با برجسته ساختن پیچیدگی، تنوع و

گسترده‌گی عوامل مؤثر در پدیده بازماندگی از تحصیل - که ابعاد اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی، فرهنگی، درمانی، روان‌شناختی و آموزشی را دربر می‌گیرد - بر لزوم اتخاذ رویکردی هماهنگ و چندبعدی تأکید می‌ورزد. در این راستا، ایجاد همکاری سه‌جانبه میان خانواده‌ها، مدارس و سیاست‌گذاران آموزشی برای مقابله با این بحران، امری حیاتی است. اجرای یکپارچه اقدامات پیشگیرانه و حمایتی در این حوزه‌های گوناگون، بستری پایدار برای تداوم تحصیل دانش‌آموزان فراهم می‌آورد. این تلاش مشترک تضمین می‌کند که فرزندان ایران با انگیزه و اراده‌ای راسخ، در مسیر رشد فردی و پیشرفت کشور گام بردارند و افق روشنی را برای آینده خود و میهن عزیزمان ترسیم نمایند.



منابع

- اسمیت، فیلیپ (۱۳۸۷). *درآمدی بر نظریه فرهنگی*. ترجمه حسن پویان. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- اقدسی، علی‌نقی و زینال‌فام، افسانه (۱۳۹۱). عوامل محیطی و اجتماعی مؤثر در ترک تحصیل (بازماندگان از تحصیل) دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های شهرستان میاندوآب در سال تحصیلی ۸۹-۹۰. *آموزش و ارزشیابی (علوم تربیتی)*، ۵(۱۷)، ۱۱۳-۱۳۰.
- امیری، محمد (۱۳۹۴). تحلیلی دوسطحی از تأثیر وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده و درجه توسعه‌یافتگی استان محل زندگی بر بازماندگی تحصیلی فرزندان در ایران. *تعلیم و تربیت*، ۳۱(۳)، ۳۳-۵۶.
- آتشک، محمد (۱۳۸۸). بررسی تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش (پایه‌های دوره راهنمایی در مناطق شهری و روستایی کشور). *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۱(۴۴)، ۷۳-۱۱۰.
- بارانی، حمید و دیگران (۱۳۹۸). عوامل روان‌شناختی ترک تحصیل دانش‌آموزان. *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۱۵(۵۹)، ۳۳۳-۳۳۵.
- باقری پرمهر، شعله و دیگران (۱۴۰۱). بررسی آماری عوامل مؤثر بر بازماندگی از تحصیل کودکان. *چشم‌اندازهای اقتصاد عدالت‌محور*، ۱، ۷۵-۱۰۰.
- برنامه ریشه‌کنی بی‌سوادی در جمهوری اسلامی ایران* (۱۳۹۳). تهران: سازمان نهضت سوادآموزی.
- بلوچ‌زهی، عبدالغفار (۱۳۹۵). *شناسایی عوامل مؤثر بر ترک تحصیل دانش‌آموزان دوره ابتدایی و ارائه راهکارهایی برای پیشگیری از آن در استان سیستان و بلوچستان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی. دانشگاه علامه طباطبائی.
- بیات، موسی و ملاشاهی، محمدرضا (۱۴۰۱). بررسی روند ترک تحصیل و بازماندگی از تحصیل در آموزش و پرورش (سال‌های ۱۳۹۳-۱۴۰۱). تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- بیرانوند، سارا و دیگران (۱۴۰۱). تفاوت‌های روستا - شهری ازدواج و ترک تحصیل دختران در دوره متوسطه دوم (دبیرستان). *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۱۷(۳۳)، ۵۱-۷۶.
- تورانی، حیدر و عارف‌نژاد، سعید (۱۳۹۶). بررسی موانع و شیوه‌های جذب کودکان بازمانده از تحصیل در مناطق روستایی و عشایری. *تعلیم و تربیت*، ۳۳(۱۳۲)، ۳۱-۴۷.
- حدادی‌زاده، علی (۱۳۹۴). *علل بازماندگی از تحصیل در دوره متوسطه شهرستان قم در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۴*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی. دانشگاه قم.
- زالی، منصوره (۱۴۰۳). عقب‌گرد از راه مدرسه. خبرگزاری ایسنا. <https://www.isna.ir/news/>
- سپیدنامه، بهروز و دیگران (۱۳۹۵). شناسایی دلایل ترک تحصیل دانش‌آموزان مقطع ابتدایی منطقه آموزش و پرورش موسیان (نواحی روستایی). *توسعه محلی روستایی - شهری (توسعه روستایی)*، ۱۸(۱)، ۱۶۷-۹۸.
- سنجری‌فر، علی‌اصغر (۱۴۰۰). بررسی رابطه وضعیت اقتصادی و کسب‌وکار والدین با ترک تحصیل فرزندان. مدیریت کسب‌وکارهای دانش‌بنیان، ۱۲(۱)، ۸۸-۹۸.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش* (۱۳۹۰). مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- سند نقشه جامع علمی کشور* (۱۳۸۹). مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۹۹). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*. تهران: سمت.

- شاه‌محمدی، انور و بهمنی، مه‌ری. (۱۳۹۹). راهکارهای تدریس برای کاهش ترک تحصیل. *تدریس پژوهی*، ۸(۳)، ۱۷۱-۱۹۴.
- شکویی، حسین (۱۳۹۰). *شناخت و فلسفه جغرافیا*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- شهرکی، مهدی و قادری، سیمین (۱۳۹۱). بررسی تصمیم به اشتغال و تحصیل کودکان کار در ایران. *اقتصاد مقیاری*، ۹(۴)، ۸۹-۵۷.
- صادقی، مجید (۱۴۰۲). *واکوی عوامل مؤثر بر بازماندگی از تحصیل دانش‌آموزان مقطع ابتدایی در نواحی روستایی از دیدگاه والدین و دانش‌آموزان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی (آموزش و پرورش ابتدایی). دانشگاه شیراز.
- صافی، احمد (۱۴۰۰). *آموزش و پرورش ابتدایی، دوره اول و دوم متوسطه*. تهران: سمت.
- عباس‌زاده، محمد (۱۳۹۱). تأملی بر اعتبار و پایایی در تحقیقات کیفی. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۳(۱)، ۱۹-۳۴.
- عبداللهی، شیرزاد (۱۳۹۱). هر کودک بازمانده از تحصیل یک بمب ساعتی است. *روزنامه دنیای اقتصاد*. شماره ۲۶۳۸.
- غلام‌پور، میثم و آیتی، محسن (۱۳۹۸). روایت پژوهی ترک تحصیل دانش‌آموز دختر روستایی. *پژوهش‌نامه زنان*، ۱۰(۴)، ۷۷-۱۰۰.
- فتحی، حبیب (۱۳۹۱). نگاهی گذرا به عوامل بازماندگی از تحصیل. *روزنامه دنیای اقتصاد*. شماره ۲۶۴۰.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸).
- قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش (۱۳۶۶). مصوب مجلس شورای اسلامی.
- قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸). مصوب مجلس شورای اسلامی.
- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳). مصوب مجلس شورای اسلامی.
- قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۳). مصوب مجلس شورای اسلامی.
- کلانتری، رباب و دیگران (۱۴۰۲). شناسایی کودکان در معرض بازماندگی از تحصیل در مقطع دبستان با به‌کارگیری یک مدل پرویت. *تحلیل‌های اقتصادی توسعه ایران*، ۹(۲)، ۲۵۱-۲۷۷.
- مظفری قره‌بلاغ، صدیقه و چراغی، مهدی (۱۴۰۱). شناسایی عوامل مؤثر بر ترک تحصیل دانش‌آموزان در مقطع متوسطه مناطق عشایری شهرستان ماه‌نشان. *مطالعات برنامه‌ریزی قلمرو کوچ‌نشینان*، ۲(۲)، ۱۵۱-۱۶۰.
- مهدوی‌فر، مرضیه (۱۳۹۸). *بررسی عوامل بازماندگی از تحصیل کودکان ۶الی ۱۵ سال شهرستان کاشان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. دانشگاه شهید بهشتی.
- نجاتی، محمدحسین (۱۳۹۰). کودکان بازمانده از تحصیل: واقعیت خاموش ایران. *روزنامه شرق*. شماره ۱۳۸۳.
- یاراحمدی، یحیی و دیگران (۱۳۹۱). تدوین و آزمون یک مدل انگیزشی برای پیش‌بینی تصمیم دانش‌آموزان پایه سوم راهنمایی و اول دبیرستان مناطق روستایی شهرستان سنجند به ادامه یا ترک تحصیل در دوره دبیرستان. *دستاوردهای روان‌شناختی*، ۱۹(۱)، ۸۸-۹۸.
- Bilar Jr, E. A. & Montañez, M. C. A. (2024). Understanding student dropout risk: A qualitative study. *Ho Chi Minh City Open University Journal of Science - Social Sciences*, 14(2), 18-34.
- Dayasiri, K., Jayasingha, D. & Thadchanamoorthy, V. (2025). Determinants of school drop-out among adolescents in rural Sri Lanka. *Children and Youth Services Review*, 169, 108-112.
- Eslamian, A., Arshi, M., Tahmasebi, S., Alipour, F., Rafiey, H. & Karimijavan, G. (2023). Understanding dropout stabilization and the factors affecting the return to primary school: A qualitative study. *Journal of Medicine and Life*, 16(7), 990-997.

- Gubbels, J., van der Put, C. E. & Assink, M. (2019). Risk factors for school absenteeism and dropout: A meta-analytic review. *Journal of Youth and Adolescence*, 48, 1637–1667.
- Hameed, S., Mesum, M. K., Khan, H. K., Bano, A., Mehdi, S., Jabeen, S. & Ali, N. (2024). Determination of latent factors influencing students' dropout in secondary schools. *OEconomia*, 7(2), 77-90.
- Mendoza Lira, M., Ballesta Acevedo, E., Muñoz Jorquera, S. & Covarrubias Apablaza, C. G. (2023). Conceptualizations of school dropout and retention from Chilean educational actors' perspectives. *Participatory Educational Research*, 10(2), 216–235.
- Parrillo, V. N. (Ed.). (2008). *Encyclopedia of social problems*. Sage Publications.
- Tsolou, O., Babalis, T. & Tsoli, K. (2021). The impact of COVID-19 pandemic on education: Social exclusion and dropping out of school. *Creative Education*, 12, 529–544.
- UNICEF. (2014). All children in School by 2015 Global initiative on out-of-school children. UNICEF Regional Office for South Asia, Kathmandu, Nepal.
- Venkatesan, R. G., Karmegam, D. & Mappillairaju, B. (2024). Exploring determinants of school dropout across regions in India: A comprehensive meta-analysis. *Journal of Computational Social Science*, 7, 1665–1697.

